

مشکلات عملی ایرادات شکلی دعاوی حقوقی در رویه قضایی ایران

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی بهمن جعفری

دکتر شجاع حسین زاده استاد گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

چکیده

مبحث ایرادات شکلی که در قوانین جاری کشورمان موضوعیت دارد راهیست برای رسیدن به قوانین موجد حق که باید تمامی مقررات و شرایطی که در قوانین شکلی که معمولاً در قالب قوانین آیین دادرسی اعم از مدنی و کیفری حسب مورد نگاشته و تصویب شده اند باید کاملاً رعایت شود قانون آیین دادرسی مدنی از قواعد آمره پیروی نموده و اصحاب دعوی جهت پیشبرد اهداف خود در خصوص دعاوی حقوقی خود به آن تمسک می جویند و از جمله ویژگی هایی که ایرادات شکلی دارند اینست که طرفین دعوی حقوقی در موقعیت دفاع از حقوق خود به ایرادات شکلی روی می آورند همچنین گاهی خود دادگاه نیز راساً جهت ایجاد موانع اعم از موقت و یا دائمی بر روی پرونده مطروحه و روند رسیدگی ایراد شکلی طرح می نماید. عدم توجه به ایرادات شکلی، مشکلات عملی و عدیده ای را برای اصحاب دعوا بوجود می آورد که در برخی از موارد آن مشکلات جبران ناپذیر بوده و یا حدالمقدور منجر به بروز اطاله دادرسی و همچنین صرف هزینه های سنگینی را برای اصحاب دعوی در بر دارد بدون اینکه فصل خصومتی انجام شود و دعوی به فرجام برسد پرونده با صدور قرار منتهی به مختومه شدن می شود لذا از این رو مقتضی است اصحاب دعوی نسبت به دعاوی حقوقی که مطرح می نمایند از حقوق و تکالیف قانونی خود علی الخصوص به حقوق و تکالیف خود در جلسه اول رسیدگی آشنا باشند تا در ادامه رسیدگی به پرونده اصحاب دعوی با مشکلات عملی مواجه نشوند.

واژگان کلیدی: مشکلات عملی، ایرادات شکلی، دعاوی حقوقی، رویه قضایی

Practical Problems of Formal Defects in Legal Claims in Iranian Judicial Procedure

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 24

Pages 1-25

Bahman Jafari

Master of Private Law

Dr. Shoja Hosseinzadeh

Professor, Department of Law and Political Science, Qeshm Branch, Islamic Azad
University, Qeshm, Iran

Abstract

The issue of formal objections, which is relevant in the current laws of our country, is a way to reach laws that create rights, in which all regulations and conditions that are usually written and approved in the formal laws, which are usually in the form of procedural laws, both civil and criminal, must be fully observed. The Civil Procedure Code follows mandatory rules and litigants rely on it to advance their goals regarding their legal claims. One of the characteristics of formal objections is that the parties to a legal claim resort to formal objections in the position of defending their rights. Also, sometimes the court itself raises formal objections directly to create obstacles, whether temporary or permanent, to the case at hand and the proceedings. Failure to pay attention to formal defects creates numerous practical problems for the litigants, which in some cases are irreparable or, if possible, lead to delays in the proceedings and heavy expenses for the litigants. Without the adversarial phase being carried out and the lawsuit being concluded, the case is closed with the issuance of an order. Therefore, it is necessary for the litigants to be familiar with their legal rights and obligations regarding the legal claims they raise, especially their rights and obligations in the first hearing, so that the litigants do not encounter practical problems in the further processing of the case.

Keywords:

Practical problems, formal defects, legal claims, judicial procedure

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

دعوی به وجود می آورد که منجمله به اطلاع دادرسی و هدر رفت اوقات خواهان و همچنین صرف هزینه های بیشتر و در برخی موارد هم زایل شدن حقوق اصحاب دعوی علی الخصوص خواهان می شود. هدف از انجام این تحقیق در وهله اول بررسی و شناسایی دقیق ایرادات شکلی مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی بوده و در ادامه پژوهش نیز بررسی و شناخت دقیق تر مشکلات عملی که اصحاب دعوی در صورت عدم رعایت ایرادات شکلی متوجه آنها خواهد شد و در ادامه سعی خواهیم کرد با ارائه راهکارهای عملی و مناسب، که در سایه مطالعه و همچنین مصاحبه با اساتید و علمای صاحب نظر به دست آمده است قدمی در راستای بهبود و شناخت مردم از حقوق و تکالیفشان در پرونده های مطروحه در دادگستری بردارم

این مقاله به بررسی مشکلات عملی ایرادات شکلی دعاوی حقوقی در رویه قضایی ایران می پردازد.

۱- چهارچوب نظری:

در هر کشوری قانونگذاران، قوانین موضوعه را در قالب گستره وسیعی از ریشه های دینی و اعتقادی، قواعد عرفی، اندیشه ها، تفکرات سیاسی و اجتماعی، و بسیاری دیگر از علل های روشن به شکل مجموعه ای از قواعد ماهوی و شکلی وضع

قانون آیین دادرسی مدنی ایران که قانونی ذاتاً شکلی می باشد آخرین بار در سال ۱۳۷۹ مورد تجدیدنظر خواهی کلی مقنن قرار گرفته است این قانون تکالیفی را برای اصحاب دعوی و همچنین به خود دادگاه در قالب ایرادات شکلی مد نظر قراردادده است از آنجا که ایرادات یکی از مباحث مبتلابه در محاکم می باشد و دارای خصوصیتی است که اصحاب دعوی در اولین مرحله از رسیدگی بدان تمسک می جویند و آن را مطرح می کنند این ایرادات که از ماده ۸۴ تا ماده ۹۳ به خود اختصاص داده است این تکالیف در برهه ای از رسیدگی دارای ضمانت اجرا بوده و در مصادیق مختلف تغییراتی در فرآیند رسیدگی ایجاد می کند لذا از همین رو در دعاوی حقوقی عدم رعایت تشریفات شکلی آیین دادرسی مدنی و عدم امکان پذیری جبران ایرادات شکلی، موجب صدور قرارهای قاطع دعوی مانند رد درخواست، ابطال دادخواست، رد دعوی و عدم استماع دعوی می شود و این تغییرات با توجه به ماهیت موضوع گاهی باعث تغییر مرجع رسیدگی کننده می شود و همچنین گاهی موجب تغییر دادرس پرونده می شود و ایضاً گاه باعث ایجاد مانع موقت یا دائم در فرآیند رسیدگی به پرونده می شود که این موضوع در رویه، مشکلات عدیده ای را برای اصحاب

انتخابی دارند و با قواعد ماهوی تفاوت دارند هر چند قوانین ماهوی از جهت ایجاد، مقدم بر قوانین شکلی هستند اعمال و اقدامات قانون آیین دادرسی مدنی عمل مراجعه به دادگستری و تنظیم درخواست و ابلاغ احضاریه ممکن است گاه به دلیل عدم رعایت مقررات شکلی ناظر به بروز اراده ناقص باشد و ذی نفع باید بتواند به وجود نقص و عیب ایراد بگیرد یکی از راه‌هایی که قانونگذار مقرر نموده تا بر اساس آن خواننده بتواند به دعوی طرح گردیده از سوی خواهان، پاسخ دهد طرح ایرادات می‌باشد و ضمانت اجرای نقص شکلی در قانون پیش‌بینی شده است قوانین شکلی همیشه در حال تغییر و تحول می‌باشند و خود قواعد و خصوصیات خاصی دارند که می‌توانند جدا از قوانین ماهوی بررسی و مطالعه شوند و می‌توان گفت این قوانین در عین حال که تشریفات و اجراکننده قوانین ماهوی اند همچنین قوانین شکلی به نوعی ابزار قدرت و اعمال حاکمیت دولت‌ها نیز بشمار می‌روند از آنجایی که ایرادات شکلی یکی از مهمترین مباحث و موضوعات در رویه قضایی دعاوی حقوقی هستند و در محاکم نیز اصحاب دعوی می‌توانند ایرادات را مطرح نموده و دادگاه نیز باید بدان رسیدگی نماید همچنین دادگاه می‌تواند در صورت لزوم و یا تشخیص خود راساً به ایرادات استناد نموده و قبل از اینکه در ماهیت موضوع دعوی ورود نماید با استناد به ایرادات تصمیم خود را بر مبنای ایرادات اعم از قرار یا حکم

کرده‌اند که به قواعد ماهوی حقوق و به قواعد شکلی اجرایی نیز می‌گویند و این تقسیم‌بندی قوانین به قوانین ماهوی و قوانین شکلی همواره ابزاری مهم و برای شناخت موضوعات مختلف قوانین بکار می‌رود این دسته‌بندی قوانین مبتنی بر این حقیقت است که قانونگذار در دو جهت نیازمند تصویب قانون و تنظیم روابط میان قوانین است. جهت اول، تنظیم روابط عادی جامعه است که بعبارتی باید‌ها و نبایدها رو برای افراد جامعه ترسیم می‌کند که به این دسته از قوانین، قوانین ماهوی یا موجد حق گفته می‌شود قسمت دوم، وضع قوانین مربوط به روابط در مقام مخاصمه و دعواست، روابط میان مردم همیشه آنچنان که باید و شاید خوب پیش‌برود ممکن نیست و در مواردی باید‌ها و نبایدهای قانون‌گذار و حدود ترسیمی او در تنظیم روابط نادیده گرفته شده و باعث تضییع حقوق مردم می‌شود.

قوانین شکلی، نه تنها به قوانین و مقررات آیین دادرسی، بلکه اصولاً به تمامی قوانینی که فاقد جنبه ماهوی باشد صادق است یعنی بعبارتی هر قواعدی که در آن شرایط خارجی و تشریفات مد نظر باشد قانون شکلی بشمار می‌رود (دل وکیو ۱۳۸۰) قواعد شکلی از حیث ویژگی و همچنین از حیث هدف و کارکرد از قواعد ماهوی متفاوت‌اند این قواعد ابزار اعمال حاکمیت‌اند ابزار تأمین حق شکلی هستند و حالتی

حقوقی، تعاریف جامع و دقیقی از ایراد ارائه نکردند و غالباً ایراد را ابزاری برای خواننده بعنوان پاسخ به دعوای خواهان اعلام کردند. لذا از اینرو از ایراد مفهوم جامعی که بتوانیم در دست داشته باشیم تهی هستیم و از اینرو حقوقدانان و دکترین اقدام به تعریف‌های متعددی از واژه ایراد کرده‌اند که به چند مورد اشاره و النهایه تعریفی که بر اساس موازین قانونی باشد را مطرح می‌کنیم (متین‌دفتری، احمد، ۱۳۷۸:

۵۶)

۳- تعریف ایراد:

ایراد در لغت به معنای اعتراض کردن، خرده و بهانه گرفتن آمده است^۱ ولی در هیچیک از قوانین آیین دادرسی مدنی که تاکنون تدوین و تصویب گردیده، تعریف صریح و دقیقی از «ایراد» ارائه نشده است و قانونگذار صرفاً به ذکر مصادیق ایراد در قوانین مربوط، پرداخته است براساس همین مصادیق، حقوقدانان تعاریفی از «ایراد» ارائه نموده‌اند که برخی از تعاریف مزبور و نواقص آنها به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱- ایرادات و موانع، مسایل مورد اختلافی هستند که از دعوای اصلی ناشی شده و مشکلاتی ایجاد می‌کنند که مانند سدهای جلوی جریان دادرسی را گرفته، آن را متوقف ساخته، سبب اطالۀ کار می‌شوند و پس از رفع موانع و ایرادات، جریان

صادر نماید. لذا از این رو لزوم شناخت مبانی ایرادات شکلی و آشنا شدن با مشکلات عملی ایرادات از ضروریات امر می‌باشد. چرا که اصحاب دعوی درک درست و شناخت مطلوبی از ایرادات شکلی دعوای حقوقی نداشته باشد با مشکلات عملی در اثنا و فرایند دادرسی مواجه خواهد شد که چه بسا به بهای تضییع حقوق حقه اش تمام بشود نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که هر یک از ایرادهای دادرسی می‌تواند نقش مهمی در جریان دادرسی داشته باشند و لازم است که در

طرح این ایرادها دقت کافی را به خرج داد. به عبارت دیگر، غفلت و بی‌توجهی به این ایرادها می‌تواند تأثیر مهم و سرنوشت‌سازی در دعوا داشته باشد زیرا اصحاب دعوی و یا وکلای آنها با وجود چنین ایرادهایی استراتژی خود را برای دفاع از دعوا طراحی می‌کنند و اگر طرف دیگر پرونده بدون همراهی و کسب اطلاع و بدون علم و آگاهی اقدام به طرح دعوا کند، ممکن است هر لحظه، دعوای وی در معرض خطر روبه‌رو شدن با ایرادهای دادرسی قرار گیرد. (شمس، عبدالله،

۱۳۹۸: ۱۵۵)

۲- تاریخچه تعریف ایرادات شکلی آیین دادرسی در حقوق ایران:

با مطالعه و تحقیق و بررسی متوجه می‌شویم اساتید آیین دادرسی کشورمان و همچنین در قوانین ایران بالاخص قانون آیین دادرسی مدنی از واژه ایراد به مانند بسیاری از اصطلاحات

۳-۳- اشکالات مخصوص و منصوص در قانون که به دعوا، از طرف مدعی یا مدعی علیه و یا رأساً به حکم قانون متوجه شود تعریف اخیر، از تعاریف سابق دقیقتر و کاملتر است و با استفاده از آن و به شکل خلاصه تر می توان ایراد را اینچنین تعریف نمود: ایراد عبارت است از اشکال قانونی وارد بر دعوا که در صورت مطرح شدن، مانع رسیدگی به دعوا به شکل موقت یا دائم می‌گردد. (عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، صفحه ۴۵۶)

مرحوم دکتر احمد میتن دفتری در کتاب خود در بحث ایرادات بدون اشاره به تعریف ایراد عنوان کرده است (منظور از ایراد بدین معنی است که خواننده ادعای خواهان را ماهیتاً نفی نمی‌کند بلکه اظهار می‌دارد دعوی به نحوی اقامه شده است که در خور پاسخ دادن نیست یعنی اینکه در این حال الزامی به پاسخ دادن ندارد و آن را موکلول به بعد می‌نماید بنابراین ایراد به منزله سد یا مانعی است که اغلب به طور موقت در جلوی فرایند دادرسی گذاشته می‌شود (متین دفتری، احمد، ۱۳۷۹: ۱۲۰)

دکتر شمس نیز در کتاب خود نیز این چنین بیان کرده است اصطلاح حقوقی ایراد که از معنی لغوی آن دور نیست و عبارت است از وسیله ای است که معمولاً خواننده به کار می‌برد تا از مبارزه در اصل و ماهیت دعوی دوری نماید و یا آن را به تاخیر بیندازد و خواهان را، بدون آنکه به ادعای او پاسخ دهد، با

عادی به صورت عادی به پیش می‌رود (صدرزاده افشار، ۱۳۷۹: ۳۰۷: ۳۰۸)

تعریف فوق به طور صریح و دقیق بیانگر تمامی عناصر ایراد نیست و اشکال وارد بر آن این است که ایراد صرفاً موجب توقف موقت کار و اطاله دادرسی نمی‌شود. در بسیاری از موارد ایراد ممکن است موجب توقف کامل جریان رسیدگی شود. به هر حال به نظر می‌رسد که آقای صدرزاده افشار در صدد ارائه تعریفی جامع و مانع از ایراد نبوده است بلکه صرفاً برخی از آثار طرح ایراد را بر دادرسی بیان کرده است.

۳-۲- ایراد عبارت است از وسیله ای که خواننده، معمولاً در جهت ایجاد مانع، موقتی یا دائمی، بر جریان رسیدگی به دعوی مطروحه و یا بر شکل‌گیری مبارزه در اصل و ماهیت حق مورد ادعا به منظور بازداشتن موقت یا دائم خواهان از پیروزی بکار گیرد.

نقصی که در تعریف فوق مشاهده می‌شود این است که ایراد، وسیله دفاع خواننده نیست. ایراد مشکل قانونی دعواست، که هرگاه توسط خواننده مطرح شود، شکل دفاع به خود می‌گیرد و در مواردی که توسط خواننده و یا قاضی محکمه طرح شود، مشمول تعریف فوق نمی‌شود. بنابراین تمامی ایرادات وسیله دفاع خواننده محسوب نمی‌شوند و تعریف فوق از این حیث ناقص است.

می تواند ایراد را بپذیرد یا آن را رد نماید. (شمس ، عبدالله ،
آیین دادرسی ، ۱۳۹۵: ۱۱۵)

علی ایحال به نظر نگارنده ، در تعریف ایراد می توان چنین
گفت ، ایراد وضعیتی را گویند که با توجه به نوع ، شکل و
فرآیند پرونده ، به اصحاب دعوی (علی الخصوص خواننده) به
مرجع رسیدگی اختیاراتی را می دهد که بدون ورود در
ماهیت موضوع دادرسی مانعی اعم از موقت یا دائمی ایجاد
کند که نتوان به ماهیت موضوع ورود کرد بعبارتی ایرادات
یعنی اینکه با وجود آن نمی توان به موضوع رسیدگی ماهوی
شود. بعنوان مثال خواهان علیه خواننده دعوایی با خواسته
تحویل یک واحد آپارتمان واقع در یزد در دادگاه کرمان مطرح
کرده است و خواننده نیز در دادگاه کرمان حاضر شده و به
دعوی ایراد شکلی وارد می نماید که با توجه به اینکه ملک
متنازع فیه در یزد می باشد لذا دادگاه کرمان صلاحیت
رسیدگی به دعوی مطروحه را ندارد لذا دادگاه بدون اینکه از
لحاظ ماهوی ورود کند قرار عدم صلاحیت صادر می نماید. و
خواهان باید مجدداً جهت طرح اقامه دعوی باید به دادگاه
صالح که همان دادگاه یزد می باشد باید رجوع نماید و دعوی
خود را در آنجا طرح نماید.

۴- ایرادات شکلی در قانون آیین دادرسی مدنی:

دست تهی از میدان دادرسی به در کند و یا پیروزی خواهان
را با مانع مواجه سازد.

عبارت دیگر ، طرح ایراد به معنی ردّ موقتی یا دائمی مبارزه
نسبت به اصل و ماهیت حق مورد ادعای خواهاناست. دکتر
قدرت الله واحدی هم در تعریف ایراد عنوان داشته، ایراد یعنی
اینکه مدعی علیه یا همان خواننده بدون ورود به ماهیت موضوع
مطرح شده توسط خواهان صرف نظر از قبول یا رد ادعا ،
نسبت به نحوه طرح دعوی اشکال بگیرد

با اندکی تامل می توان دریافت کرد نظر به اینکه قبلاً نیز
اشاره شد با توجه به اینکه قانونگذار در مقام تنقیه خود
تعریفی از ایراد ارائه ننموده است لذا از اینرو تعاریف ارائه شده
توسط اساتید محترم یکسان نیستند لکن نکته قابل تامل ،
این است که در تعریف دوم دکتر متین دفتری ایراد را مختص
خواننده دعوی نیآورده است و خواهان نیز می تواند طرح ایراد
بگیرد همچنین ، ایراد را نباید یک اظهار دانست و چنانکه
استاد فقید و معظم فرموده اند یک درخواست است و رکن
پایانی مفهوم ، نتیجه درخواست است که منتج به تصمیم
گیری قاضی مبنی بر قبول و رد ایراد می باشد. و علیرغم اینکه
اصحاب دعوی اعم از خواهان یا خواننده در مقام دفاع طرح
ایراد بکنند این قاضی هستش که در مقام رسیدگی به موضوع

شده را تکمیل نماید وگرنه دفتر دادگاه به موجب صدور قرار ، دادخواست را رد خواهد کرد این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در همان دادگاه می باشد رای دادگاه در این خصوص قطعی است.

در ماده ۳۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مقرر گردیده عدم رعایت قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی ، موجب نقض رای در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود. در این موارد دادگاه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می کند که ظرف دو روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد دادگاه رای صادره را نقض و قرار رد دعوای بدوی را صادر می نماید.

ایراد تفکیک دعوا که در ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی بدین ترتیب ذکر شده است: اگر به موجب یک دادخواست دعوای متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشد و دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند دعوای اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می کند و در غیر اینصورت نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت ، پرونده را به مرجع صالح ارسال می نماید.

قانون آیین دادرسی مدنی ایران در ماده ۸۴ به طور کلی مبحث ایرادات را در ۱۱ بند بر شمرده است. ولی با عنایت به تعریفی که از ایراد ارائه گردید و همچنین با توجه به ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی باید پذیرفت که ایرادات شکلی ذکر شده تماماً حصری نبوده و ایرادات دیگری، از مواد مختلف قانون آیین دادرسی مدنی و یا سایر قوانین قابل استخراج و استناد می باشد. به عبارت دیگر هر مشکلی که براساس قانون مانع از جریان یافتن موقت یا دائم دعوا گردد، و آن مانع نگذارد که دادگاه در ماهیت دعوا ورود کند و رای صادر کند تحت عنوان ایراد قابل بررسی و طرح است یعنی اینکه در دعوایی که دادگاه بدون ورود در ماهیت موضوع با موانعی روبرو شود به این موانع ایرادات شکلی می گویند ولو قانونگذار صراحتاً، عنوان «ایراد» را به مشکل مزبور نداده باشد. علیهذا در ذیل، ایرادات بر شمرده شده در ماده ۸۴ و همچنین مواد پراکنده قانون آیین دادرسی مدنی ذکر می گردند. (عموزاد مهدیرچی، رضا، ایرادات قضایی بر نحوه طرح دعوای حقوقی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳)

در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مقرر گردیده در صورتی که دادخواست ناقص باشد و دادگاه نتواند رسیدگی کند جهات نقص را قید نموده ، پرونده را به دفتر اعاده می دهد موارد نقص طی اخطاریه به خواهان ابلاغ می شود خواهان مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ ، نواقص اعلام

ب (ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی: چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف موثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس ، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.

۵- ایرادات شکلی در آیین دادرسی دیوان عدالت اداری:

مهمترین ایرادات شکلی که اعم از ، ایراد عدم اهلیت ، ایراد عدم احراز سمت ، ایراد عدم ذی نفع در دعوی مطروحه و ایراد شکایت خارج از موعد قانونی که در مواد ۵۲ و ۵۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بدین ترتیب ذکر شده است :

۵-۱- ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی او مطلع شود ، تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور ، قرار توقیف دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر شعبه به نشانی شاکی اعلام می شود.

۵-۲- ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: در صورت احراز هر یک از جهات زیر ، شعبه دیوان حتی قبل از ارسال دادخواست و ضمائم به طرف شکایت ، قرار رد شکایت صادر می کند:

الف) شاکی برای طرح شکایت ، اهلیت قانونی نداشته باشد.

ب) شاکی در شکایت مطروحه ذی نفع نباشد.

ایراد اناطه که در ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی بدین ترتیب ذکر شده است : هر گاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت دارد متوقف می شود در این مورد خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید، در غیر اینصورت قرار رد دعوا صادر می شود خواهان می تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نماید.

ایراد به ورود شخص ثالث که در ماده ۲۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ بدین ترتیب ذکر شده است: هر یک از طرفین دعوی می تواند به ورود شخص ثالث در دعوی ایراد کند در این صورت دادگاه باید قبل از رسیدگی به دعوی تکلیف ایراد مذکور را معین نماید.

اعتراض (ایراد) به بهای خواسته که در بند ۴ ماده ۶۲ و ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی بدین ترتیب ذکر شده است
الف (بنده ۴ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی: در دعوی راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

۵-۵- ایراد اناطه که در ماده ۵۰ آیین دادرسی دیوان عدالت

اداری بدین ترتیب ذکر شده است: هر گاه رسیدگی دیوان

منوط به اثبات امری باشد که در صلاحیت مرجع دیگری

است، قرار اناطه صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می شود. ذی

نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دیوان، به

مرجع صالح مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر

طرح موضوع، به دیوان تسلیم نماید. در غیر اینصورت دیوان

به رسیدگی خود ادامه می دهد و تصمیم مقتضی می گیرد.

استادزاده، سعید، قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان

عدالت اداری، انتشارات پندار قلم، سال ۱۳۹۵)

۶- تفاوت ایرادات شکلی با دفاع در معنای اخص (دفاع

ماهوی)

علیرغم اینکه خود ایراد، نوعی دفاع محسوب می شود (دفاع

شکلی) ولی در منظر قانون با دفاع به معنای اخص متفاوت

است که تفصیلاً در ذیل به بحث و بررسی آن می پردازیم

۶-۱- در دفاع به معنای اخص، خواننده دعوی به صورت ماهوی

به مسئله ورود می کند و حقوق خواهان و مدعی را نفی می

کند بعبارتی به ماهیت دعوا ورود می کند مثلاً شخصی بعنوان

بستانکار بر علیه خواننده (بدهکار) اقامه دعوی می کند و

مطالبه وجه می کند.

پ) شکایت متوجه طرف شکایت نباشد.

ت) شکایت خارج از موعد قانونی، مطرح شده باشد.

ث) شکایت طرح شده از حیث موضوع قبلاً بین همان اشخاص

یا اشخاصی که اصحاب دعوی، قائم مقام آنان هستند،

رسیدگی و حکم قطعی نسبت به آن صادر شده باشد.

ج) موجبات رسیدگی به شکایت، منتفی شده باشد.

۵-۳- ایراد عدم صلاحیت که در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی

دیوان عدالت اداری بدین ترتیب ذکر شده است: هرگاه

رسیدگی به شکایت، در صلاحیت سایر مراجع قضایی باشد،

شعبه دیوان با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع

مذکور ارسال و مراتب را به شاکی اعلام می نماید و چنانچه

موضوع رادر صلاحیت مراجع غیرقضایی بدانند، ضمن صدور

قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع صالح ارسال می نماید.

مرجع اخیر مکلف به رسیدگی است

۵-۴- ایراد عدم رعایت شرایط شکلی دادخواست که در ماده

۲۷ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بدین ترتیب ذکر شده

است: چنانچه دادخواست فاقد نام، نام خانوادگی شاکی یا

اقامتگاه وی باشد به موجب قرار مدیر دفتر شعبه رد می شود

این قرار قطعی است. ولی صدور آن، مانع طرح مجدد شکایت

نیست. چنانچه طرح دعوی مجدد مستلزم رعایت زمان

مشخص باشد از زمان اطلاع محاسبه می شود.

نرسیده می توانند دفاع ماهوی نمایند. ولی در مورد ایرادات شکلی، جریان و روند رسیدگی مثل ایرادات ماهوی نیست و ایرادات شکلی اصولاً باید تا پایان جلسه اول رسیدگی مطرح شوند مگر اینکه ایراد بعداً بوجود بیاید. (شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، ۱۳۹۱)

۷- احکام کلی راجع به ایرادات شکلی:

پس از شناخت و تعریف ایرادات شکلی و همچنین تفاوت ایرادات شکلی با دفاعیات ماهوی، لازم است احکام کلی ایرادات را مورد بررسی قرار دهیم. ابتدائاً ذکر این نکته ضروری است که در قوانین جدید و فعلی، بیش از ده مورد از انواع ایرادات برشمرده شده اند که بعضاً دارای آثار و احکام متفاوتی می باشند، اما در هر حال به لحاظ ماهیت یکسان آنها، دارای احکام کلی و مشترکی نیز می باشند که این احکام با توجه به قانون قبلی و قانون جدید بررسی خواهند شد. بدیهی است که احکام، شرایط و اثر هر یک از انواع ایرادات شکلی به طور جداگانه مورد توجه و تدقیق قرار خواهند گرفت. با توجه به این مقدمه، احکام کلی ایرادات را در چهار بند ذیل مورد بررسی قرار می دهیم:

- چه کسی می تواند ایراد را مطرح نماید.

- ایرادات شکلی در کدامیک از مقاطع و مراحل دادرسی قابل طرح است؟

۶-۲- ایرادات شکلی را خود قانونگذار احصاء کرده و مشخص هستند ولی دفاع به معنای اخص (دفاع ماهوی) بر خلاف ایرادات احصاء نگردیده، گر چه دفاع اخص را نیز می توان دسته بندی کرد اما احصاء آن زیاد کاربردی ندارد. عبارتی در ایراد شکلی ما مانعی ایجاد می کنیم که قاضی در ماهیت ورود نکند ولی در دفاع ماهوی با به موجد و ایجاد کننده حق و یا عدم آن دفاع می کنیم

۶-۳- در دفاع به معنای اخص فقط اصحاب دعوی می توانند حقوق یکدیگر را نفی نمایند و دادگاه با استناد به اصل بی طرفی، نمی تواند طرح دفاع به معنای اخص (دفاع ماهوی) بکند عبارتی دادگاه نقش منفعل دارد ولی در ایرادات شکلی، دادگاه نیز می تواند ایرادات را مطرح نماید

۶-۴- در دفاع ماهوی یا همان دفاع به معنای اخص اصحاب دعوا جهت اثبات ادعای خود به ادله اثبات دعوی که در قانون احصاء شده است استناد می کنند مانند اقرار، اسناد، گواهی گواهان، اتیان سوگند، تحقیقات محلی. دادگاه مکلف به رسیدگی در ماهیت دعوا هستش ولی در دفاع شکلی (ایرادات شکلی) روند رسیدگی به دادرسی مثل دفاع ماهوی نیستش و دادگاه به رسیدگی ماهوی نمی پردازد.

۶-۵- در دفاع به معنای اخص کلمه، دفاع محدود به زمان معین نمی باشد و اصحاب دعوی مادامی که رسیدگی به اتمام

- آثار طرح ایراد چیست؟

- آثار پذیرش یا رد ایراد چیست؟

هدف از طرح سؤال های فوق این است که کدامیک از اصحاب دعوا و یا دادگاه ، حق طرح ایراد را دارد صدر ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی به نحوی تدوین گردیده که به نظر می رسد، طرح ایراد فقط از طرف خواننده امکانپذیر است. اما باید گفت این امر اساساً مورد نظر قانونگذار نبوده بلکه طرح نمودن ایراد بسته به شرایط دعوا هم از طرف خواهان ، خواننده و دادگاه مورد پذیرش می باشد ، لیکن با توجه به اینکه ایراد به طور معمول توسط خواننده مطرح می گردد و اساساً واجد و دربرگیرنده یک نوع دفاع مهم از سوی خواننده می باشد، لذا قانونگذار با در نظر گرفتن وجه غالب اقدام به تدوین و تصویب قانون نموده است. در هر حال جهت روشن تر شدن موضوع، امکان طرح ایراد توسط خواهان، خواننده و قاضی بررسی می گردد.

معمول از سوی خواننده ارائه می گردد، بنابراین طرح ایراد نیز مختص خواننده بوده و سایر اشخاص حق طرح ایراد را ندارند. نگارش قدیم و جدید قانون آیین دادرسی مدنی نیز این موضوع را به نحوی تأیید می نماید، در ماده ۱۹۷ از عبارت «مدعی علیه» و در ماده ۸۴ عبارت «خواننده» قید گردیده است و به نظر می رسد که قانونگذار طرح ایراد را صرفاً در صلاحیت خواننده قرار داده است. در هر حال اگر چه همانگونه که در مباحث بعدی خواهیم دید، طرح ایراد توسط سایر مراجع نیز امکانپذیر است، طرح اکثر و غالب ایرادات صرفاً توسط خواننده موضوعیت می یابد و طرح آنها توسط قاضی و خواهان اساساً منتفی است. شاید همین وجه غالب ایراد می باشد که اکثر حقوقدانان آن را به عنوان یک نوع دفاع از سوی خواننده قلمداد نمایند.(فوادیان ، فرشته ، ایرادات و موانع رسیدگی ، ۱۳۹۴)

۷-۲ - طرح ایراد توسط خواهان:

آیا طرح ایراد توسط خواهان امکانپذیر است. خواهان که خود آغاز گر و شکل دهنده به دعوا می باشد و همواره فرض بر آن است که بر صحت دعوای مطروحه از سوی خود اعتقاد دارد آیا صلاحیت طرح ایراد را دارد یا خیر؟ واضح است که خواهان هیچگاه در صدد جلوگیری از جریان دعوایی که خود آغاز نموده بر نمی آید بلکه برعکس، همواره سعی در سرعت بخشیدن به جریان دادرسی و رفع موانع آن جهت احقاق حق

۷-۱ - طرح ایراد توسط خواننده:

در اولین نگاه و مطالعه قوانین مربوطه، خواننده به عنوان اولین و صالحترین مرجع در یک دادرسی جهت طرح ایراد به نظر می رسد و حتی ممکن است تصور شود که طرح ایراد صرفاً از حقوق خواننده می باشد زیرا آنچه در نظر اول از بررسی ایراد به ذهن متبادر می گردد این است که طرح کردن ایراد متضمن یک نوع دفاع می باشد و از آنجائیکه «دفاع» به طور

دعوی می تواند به کسی که به عنوات نمایندگی اقامه دعوی کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیومیت و سمت او محرز نباشد ایراد نماید. البته باید توجه داشت که ایراد احراز سمت از جمله ایراداتی است که می تواند از سوی هر دو طرف دعوی عنوان شود چرا که در ماده ۸۵ قانون مارالذکر آمده است که خواهان نیز می تواند نسبت به کسی که به عنوان ولایت یا قیومیت یا وصایت پاسخ دعوی را داده است و سمت او محرز نباشد اعتراض نماید ضمانت اجرای پذیرش چنین ایرادی، عدم توجه و ترتیب اثر ندادن به دفاعیات و اظهارات شخص مذکور از سوی دادگاه در رسیدگی به پرونده خواهد بود (توکلی، محمد مهدی، آیین دادرسی مدنی، ۱۴۰۱:

(۲۱۱)

در توضیح مطلب می توان گفت که علت وجود چنین ایرادی امکان طرح دعوی به نمایندگی از صاحب دعوی (خواهان) تحت عناوین وکالت، قیومیت، تولیت و غیره قانون آیین دادرسی مدنی است. مطابق تبصره بند ۱ ماده ۵۱ ق.آ.د.م چنانچه دادخواست توسط وکیل تقدیم دادگاه شده باشد مشخصات وکیل نیز باید در دادخواست درج گردد همچنین مطابق ماده ۵۲ این قانون در صورتی که هر یک از اصحاب دعوی عنوان قیم یا ومتولی یا وصی یا مدیر شرکت و امثال آن داشته باشد در دادخواست باید تصریح شود. مطابق ماده ۵۹ قانون مذکور اگر دادخواست توسط ولی، قیم، وکیل و یا

خود دارد و همیشه سعی می نماید که دعوای خود را در کمال دقت و با رعایت کلیه جوانب و شرایط قانونی طرح کند تا از این طریق در کوتاهترین فاصله زمانی به هدف خود که همان احقاق حق است نایل آید. با تمام این احوال و علیرغم اینکه غالب ایرادات مندرج در قانون صرفاً مختص خواننده می باشند باز هم می توان مواردی را در نظر گرفت که خواهان نیز مجاز به طرح ایراد می باشد به عنوان مثال هر گاه علیرغم میل و خواسته خواهان دعوای وی به دادگاهی ارجاع شود که صلاحیت محلی یا ذاتی رسیدگی به دعوا را نداشته باشد، طرح ایراد از سوی خواهان دور از ذهن نیست. باید توجه داشت که طرح ایراد توسط خواهان به موارد بسیار محدودی خلاصه می شود که در جای خود مورد بررسی قرار خواهند گرفت و ضمناً هدف طرح ایراد توسط خواننده با هدف طرح آن توسط خواهان متفاوت است. خواهان با اقدام خود در طرح ایراد، در صدد رفع مانع بر می آید تا رأیی که نسبت به خواسته وی صادر می شود در کمال صحت و فارغ از هر گونه خدشه قرار گیرد، اما خواننده صرفاً با هدف رد موقت یا دائم دعوای خواهان اقدام به طرح ایراد می نماید.

۷-۳ - ایراد عدم احراز سمت:

ایراد عدم احراز سمت دادخواست دهنده یکی از مهمترین ایرادات مندرج در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی می باشد مطابق بند ۵ ماده ۸۴ ق.آ.د.م (مصوب ۷۹) خواننده

دادگاه مکلف است قبل از ورود در ماهیت دعوی، البته به شرطی که ایراد مطابق ماده ۸۷ ق.آ.د.م تا پایان اولین جلسه دادرسی عنوان شده باشد. (توکلی، محمد مهدی، ۱۳۸۶)

۴-۷ - طرح ایراد توسط قاضی رسیدگی کننده به دعوا: سوالی که این مطرح می گردد این است که آیا دادرس رسیدگی کننده مجاز است اقدام به طرح ایراد نماید؟ شاید طرح سؤال مزبور بدین نحو صحیح نباشد زیرا طرح ایراد به نحویکه توسط اصحاب دعوا بعمل می آید خارج از شأن قاضی و خلاف اصل لزوم رعایت تساوی و عدالت، در رسیدگی به دعاوی می باشد، اما باید توجه داشت که قضات محاکم موظفند قبل از ورود در ماهیت دعوی، به جهت رعایت پاره ای از ملاحظات حقوقی و اجتماعی که از اهمیت بسیاری برخوردار می باشند، رأساً نسبت به بررسی و احراز برخی از شرایط لازم برای صحت و پذیرش دعوی اقدام نمایند. به عنوان مثال صلاحیت ذاتی محاکم در رسیدگی به دعاوی از مواردی است که باید به دقت در جریان دادرسی ها مورد رعایت قرار گیرد و عدم رعایت امر مزبور از جهات عمده نقض آرا صادره از محاکم می باشد. بنابراین قضات محاکم موظفند قبل از ورود در ماهیت دعوا، رأساً نسبت به این موضوع رسیدگی نموده و صلاحیت خود را در خصوص رسیدگی به دعوی مطروحه احراز نمایند اگر این ایراد توسط اصحاب دعوا طرح نشده باشد. در برخی موارد دیگر نیز همین قاعده جریان

نمایند قانونی خواهان تقدیم شود باید رونوشت سندی که مثبت سمت دادخواست دهنده است به پیوست دادخواست تسلیم دادگاه گردد.

در غیر اینصورت دادگاه وظیفه دارد به استناد ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی هنگام ملاحظه پرونده و قبل از تعیین وقت رسیدگی (مطابق ماده ۶۴ ق.آ.د.م) راساً به این امر توجه نموده و به دفتر دستور دهد که با صدور اخطار رفع نقص از وی (دادخواست دهنده) بخواهد تا مشکلات کامل خود را در دادخواست قید و یا مدرک مثبت سمت خود را ظرف مهلت مقرر به دادگاه تسلیم نموده و در صورت عدم اقدام به موقع، دفتر قرار رد دادخواست او را صادر نماید. همچنین بعد از شروع رسیدگی نیز چنانچه مدارک مربوط به سمت دادخواست دهنده اشکال داشته باشد بدیهی است در این صورت هم خواننده دعوی و هم دادرس در مقام رسیدگی می تواند قبل از ورود در ماهیت دعوی به ایراد به وجود آمده ورود نماید و در صورت عدم احراز دادگاه نمی تواند به ماهیت دعوی رسیدگی کند. مضاف بر اینکه ایراد مربوط به احراز سمت از جمله ایراداتی هستش که هم از طرف خواهان به خواننده و هم از طرف خواننده به خواهان گرفته شود و هم دادرس می تواند به هر دو طرف اصحاب دعوی ایراد احراز سمت بگیرد. خواننده دعوی حق دارد مطابق بند ۵ ماده ۸۴ ق.آ.د.م به آن ایراد و اعتراض نماید که در این صورت مطابق ماده ۸۸ ق.آ.د.م

طرح ایراد در جلسات بعد از جلسه اول دادرسی را نیز امکانپذیر می‌داند. موارد و مواد مزبور ذیلأ مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۸-۱ - سبب ایراد متعاقباً حادث شود:

قسمت دوم ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، به طرفین دعوا این اجازه را داده است که هر گاه سبب ایراد پس از جلسه اول دادرسی حادث شده باشد، ایشان بتوانند ایراد خود را طرح نموده و از کلیه آثار آن بهره مند گردند. در حقیقت طرح ایراد در چنین وضعیتی، در حکم طرح ایراد تا پایان جلسه اول دادرسی می‌باشد و بنابراین دادگاه مکلف است جدا از ماهیت دعوا نسبت به آن رأی دهد.

۸-۲ - ایراداتی که مربوط به قواعد آمره می‌باشند:

در یک تقسیم بندی که توسط حقوقدانان مورد پذیرش قرار گرفته است، ایرادات به دو دسته تقسیم می‌شوند، اول ایراداتی که مربوط به قواعد آمره هستند، دوم ایراداتی که مربوط به قواعد مخیره می‌باشند. آثار این تقسیم بندی متفاوت است، از جمله اینکه، طرح ایراداتی که از قواعد آمره هستند، از طرف اصحاب دعوا ضرورتی ندارد و محاکم می‌توانند در صورت احراز هر یک از آنها، رأساً رأی مقتضی و متناسب را صادر نمایند؛ البته در برخی موارد احراز صحت برخی از شرایط اساسی صحت طرح دعوا برای دادگاه یک تکلیف محسوب می‌گردد و عدم توجه به این امر، تخلف و حتی مستوجب تعقیب

دارد و اگر دادگاه رأساً احراز نماید که برخی از شرایط آمره طرح دعوی رعایت نگردیده، دادرس مکلف است تصمیمی را اتخاذ نماید که با طرح ایراد توسط اصحاب دعوا اتخاذ می‌نمود. بنابراین اگر قاضی پس از رسیدگی به دعوا رأساً احراز نماید که دعوا توجهی به خواننده ندارد باید اقدام به صدور رد دعوا کند هر چند که خواننده ایراد عدم توجه دعوا را طرح نکرده باشد. پس نتیجتاً بطور کلی اینکه دادرس در مقام رسیدگی به دعوی مطروحه شخصاً و رأساً می‌تواند ایراداتی که متوجه دعوی می‌باشد بدون اینکه خواهان یا خواننده متوجه ایراد شده باشند با صدور قرارهای قاطع دعوی از رسیدگی ماهوی اجتناب ورزد. (محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی، ۱۳۹۹)

۸- ایراد در کدامیک از مقاطع و مراحل دادرسی قابل طرح است؟

مطابق ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی جدید، ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی بعمل آید به نظر می‌رسد که ضمانت اجرای ماده مزبور، غیرقابل استماع بودن ایراداتی است که خارج از جلسه اول دادرسی طرح می‌شوند، به عبارت دیگر دادگاه در خصوص ایراداتی که خارج از جلسه اول دادرسی مطرح می‌شوند باید به نحوی عمل کند که گویا اساساً ایرادی طرح نگردیده است. در هر حال باید توجه نمود که مواد بعدی قانون جدید و همچنین قسمت آخر ماده ۸۴ و سایر اصول دادرسی احکامی را در بر دارند که براساس آنها

آنچه از مواد ۸۷، ۸۸ و ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی استنتاج می شود این است که هر گاه طرح ایرادات تا پایان جلسه اول دادرسی بعمل آید، دادگاه مکلف است قبل از ورود در ماهیت دعوا، نسبت به ایرادات شکلی اتخاذ تصمیم نماید، بنابراین هر گاه ایراد را وارد تشخیص دهد، اساساً وارد رسیدگی ماهوی نمی شود، اما هر گاه ایراد را مردود بداند، دادرسی موظف است با اعلام موضوع در مقدمات رأی، وارد ماهیت دعوا شده و رسیدگی نماید، واضح است با توجه به تکلیف دادگاه در خصوص رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص ایرادات، عدم تصمیم دادرسی در خصوص ایرادات مطروحه، ممکن است تخلف انتظامی محسوب گردد و یا حتی از موجبات تعقیب وی در دادرسی انتظامی قضات قرار گیرد.

۸-۵ - طرح ایراد پس از پایان جلسه اول دادرسی:

بدیهی است که هرگاه اصحاب دعوا تا پایان جلسه اول دادرسی هیچگونه ایرادی نسبت به دعوا طرح ننمایند، دادگاه مربوطه وارد رسیدگی ماهیتی به دعوی مطروحه شده و رسیدگی خود را تا صدور رأی ادامه خواهد داد. اما در هر حال ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی این اجازه را به طرفین دعوا داده است که حتی پس از پایان جلسه اول دادرسی نیز ایرادات دعوا را طرح نمایند. بدیهی است که صدور مجوز امکان طرح ایراد پس از پایان جلسه اول دادرسی، تکلیف دادگاه مربوطه را در خصوص رسیدگی به ایراد

کیفری خواهد بود. اثر دیگری که بر این تقسیم بندی مترتب است، این است که طرح ایراداتی که مربوط به قواعد آمره هستند در تمام مقاطع و جلسات دادرسی امکانپذیر است، زیرا لزوم رعایت قواعد آمره دادرسی از چنان اهمیتی برخوردار است که عدم رعایت آنها قطعاً موجب بی اعتباری و مخدوش بودن آرای صادره از محاکم دادگستری خواهد بود و بنابراین نمی توان با این استدلال که ایراد در جلسه اول طرح نگردیده، از استماع آن خودداری نمود و اقدام به صدور رأی کرد که آثار ظالمانه ای در پی خواهد داشت. البته در پایان این بند ذکر این نکته ضروری است که همانگونه که در بند ۱ شرح دادیم با تحلیلی که از ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی بعمل آمد، به طور کلی طرح کلیه ایرادات در تمام جلسات دادرسی امکانپذیر می باشد. (غمامی، مجید، ابتکار عمل خصوصی اصحاب دعوی در دادرسی مدنی، ۱۳۹۱)

۸-۳ - طرح ایرادات شکلی در سایر مراحل دادرسی: نظر به لزوم طرح ایراد در جلسه اول دادرسی که مقنن در ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی در مقام بیان اعلام نموده است، مانعی برای طرح ایراد در مراحل بعدی رسیدگی نخواهد بود. البته برخی از ایرادات دارای احکام خاص خود می باشند و طرح آنها در سایر مراحل دادرسی بستگی به شرایط خاصی خود می باشد.

۸-۴ - طرح ایراد تا پایان جلسه اول دادرسی:

در صورت لزوم، ایراد مورد نظر خود را مجدداً در مراحل بعدی رسیدگی مطرح نماید.

۸-۶-۲ - پذیرش ایراد توسط دادرسی:

هرگاه دادگاه رسیدگی کننده ایراد مطروحه را وارد بداند و یا خود رأساً ایراد دعوا را احراز نماید، حسب نوع ایراد موظف است یکی از تصمیمات قانونی را که در ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، و یا در

سایر قوانین مربوطه مندرج است، اتخاذ نماید. در این قسمت ماده ۸۹ قانون مزبور جهت روشن تر شدن موضوع، عیناً قید می گردد. مطابق ماده مزبور «... در مورد بند ۱ ماده ۸۴، هرگاه دادگاه خود را صالح نداند، مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت می نماید و طبق ماده ۲۷ عمل می کند و در مورد بند ۲ ماده ۸۴ هرگاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده، پرونده را به

دادگاهی که دعوا در آن مطرح است می فرستد و در سایر موارد یاد شده در ماده ۸۴، قرار رد دعوا صادر می نماید». (رای شعبه ۴ دیوان عالی کشور در رای شماره ۱۹۶۴-

۱۳۳۴/۱۰/۲۶)

۹- در رویه قضایی

در محاکم قضایی در خصوص طرح ایرادات رویه خاصی وجود ندارد عده ای از قضات بر این عقیده هستند که در صورتی که

یا ایرادات مربوطه در پی خواهد داشت، اما طبق ماده فوق الذکر دادگاه تکلیفی ندارد که جدا از ماهیت دعوا نسبت به ایراد رأی دهد بلکه می تواند جدا از ماهیت دعوا نیز نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید، اما در هر حال در خصوص تکلیف دادگاه در خصوص رسیدگی و اخذ رأی نسبت به ایراد مطروحه، تردیدی نیست.

۸-۶-۶ اثر پذیرش و رد ایراد:

علاوه بر طرح ایراد، پذیرش و رد ایراد نیز دارای آثار مختص به خود می باشد بدین نحو که هرگاه دادگاه رسیدگی کننده به دعوا، اقدام به پذیرش یا رد ایراد نماید، حسب مورد مکلف است تصمیمات متفاوت و متناسب با ایراد مطروحه، اتخاذ نماید که هر یک از وضعیتهای موجود، ذیلاً و به ترتیب توضیح داده می شوند خاطر نشان می سازد خواهان نیز در مقام مدعی باید به این نکته توجه ویژه داشته باشد

۸-۶-۱ - رد ایراد توسط دادرسی:

مطابق قسمت آخر ماده ۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی «دادگاه در صورت مردود شناختن ایراد، وارد ماهیت دعوا شده، رسیدگی خواهد نمود».

بنابراین با توجه به ماده فوق واضح است که اگر دادگاه ایراد مطروحه را وارد نداند، مکلف است رسیدگی ماهوی نموده و اتخاذ تصمیم نماید، طرفی هم که طرح ایراد نموده، می تواند

و محتوای مورد اختلاف نپردازد و در نتیجه عدم رسیدگی دادگاه تبعاتی را در پی دارد و این تبعات در راستای احقاق حقوق حقه مردم منافات دارد و همچنین معایب و مفاسد بسیاری را به شرح ذیل در بردارد. خاطر نشان می‌سازد از بدو امر که مقدمه و ملازمه طرح دعوی حقوقی، مستلزم ارائه دادخواست می‌باشد تا به آخرین مرحله، از مشکلات عملی ایرادات شکلی که هنوز دادگاه به ماهیت موضوع نرسیده است چرا که هر موانعی که باعث شود دادگاه نتواند به ماهیت موضوع اختلاف رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید داخل در ایرادات شکلی و بحث تشریفات هستش و ایرادات شکلی دعوی حقوقی صرفاً معطوف به ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد. عبارتی وقتی که می‌خواهیم دعوی حقوقی را در دادگستری مطرح نمایم فرایندی دارد که باید آن فرایند به ترتیب انجام و اقدام گردد تا محق، احقاق حق نماید. (شاه حیدری پور، محمدعلی، آیین دادرسی مدنی، صلاحیت دادگاه، انتشارات آداک، چاپ اول، ۱۳۹۱)

۱۱- آثار ایرادات شکلی آیین دادرسی و راههای شکایت از آن در حقوق ایران پیش و بیش از هر چیزی آثار ایرادات شکلی مورد توجه نویسندگان حقوق بوده است تا ماهیت آن، در حقیقت اهتمام دکترین حقوقی بر این بوده تا به واسطه آثار ایرادات آیین دادرسی به مفهوم آن پی برد بی تردید اثر ایرادات شکلی آیین دادرسی و مفهوم آن رابطه متقابل و

خوانده ایراد را طرح کند ولی دفاعی نکند در اینصورت باید در صورت عدم قبولی ایراد، فرصتی جهت دفاع به خوانده داده شود و جلسه ای دیگر تعیین و به طرفین ابلاغ شود و در عین حال برعکس این مسئله بعضی از قضات معتقد هستند با استناد به ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ خوانده باید بطور همزمان و همراه با طرح ایراد، دفاع اخص نیز باید بکند و نمی‌تواند به بهانه مطرح کردن ایراد شکلی، جلسه دیگری تعیین شود لذا هر وقت ایراد مطروحه از طرف خوانده، مورد قبول دادگاه نباشد دادگاه مبادرت به رسیدگی ماهوی نموده و فرصتی برای دفاع ماهوی مجزی به خوانده داده نمی‌شود.

۱۰- مشکلات عملی ایرادات شکلی در روبه قضایی ایران نگارنده سعی بر آن دارد مشکلات عملی مربوط به ایرادات شکلی دعوی حقوقی که در جریان طرح و رسیدگی به دعوی حقوقی سد راه اصحاب دعوی می‌باشد بررسی و واکاوی نماید چنانچه قبلاً نیز ذکر شده است در بسیاری از دعوی حقوقی عدم رعایت تشریفات و ایرادات شکلی آیین دادرسی مدنی و عدم امکان پذیری جبران ایرادات شکلی، موجب صدور قرارهای قاطع دعوی مانند رد دادخواست، ابطال دادخواست، رد دعوی، و عدم استماع دعوی می‌شود که این امر موجب می‌شود دادگاه علیرغم صرف وقت و زمان متاسفانه به ماهیت

در اینجا نتیجه می‌گیریم خواهان که در مقام مدعی، از خواننده طلبکار می‌باشد جهت تسریع در روند رسیدگی و احقاق حقوق حقه خودش یکسری شرایط شکلی را باید رعایت کند و دادگاه را به نوعی راحت تر به مسیر دادخواهی هدایت کند و همچنین شخص خود نیز هر چه زودتر به حقوق حقه خویش دست یابد.

۱۲- رعایت خواهان در تنظیم اصولی دادخواست

سند ادعای خواهان که همان دادخواست می‌باشد باید بصورت روشن، فصیح، صریح و شفاف و در بردارنده تمامی ارکان دعوا باشد بطوریکه تمامی قواعد شکلی در آن لحاظ و رعایت شود منجمله مشخصات دقیق خواننده و اقامتگاه آن که در بحث ابلاغ اوراق قضایی، که در آتیه به آن می‌پردازیم مامور ابلاغ و سیستم قضایی در موقع ابلاغ با مشکل برخورد نکند در واقع مشکل اصلی مربوط به خواهان می‌باشد با این توضیح که اگر در دادخواست اقامتگاه خواننده دقیق مشخص نشود و مامور ابلاغ نتواند به درستی امورات مربوط به ابلاغ را انجام بدهد روند رسیدگی کندتر شده و دادخواست با قرار رفع نقص مواجه خواهد شد که موجب تضییع حقوق و هم باعث اطاله دادرسی می‌شود. دادخواست پایه قضاوت است. جامع و رسا بودن آن از زحمت دادرسی می‌کاهد و کشف حقیقت و حکومت را بر آنان آسان می‌کند لذا از همین رو است که

نزدیک دارند درباره مفهوم ایرادات شکلی آیین دادرسی گفته شد که ادعایی است که درباره رسیدگی مطرح می‌شود از این رو اثر ایرادات شکلی آیین دادرسی معطوف به رسیدگی است و آن را متاثر می‌سازد. همچنین روشن است که اثر مذکور با ایراد به وجود نمی‌آید و تاثیر آن منوط به احراز مبنای ادعا به وسیله دادرسی است. در حقیقت، اثر مذکور بالقوه بوده و در صورت پذیرش آن از سوی دادگاه عملاً رسیدگی به دعوی

را تحت شعاع قرار می‌دهد لذا بطور کلی اقدامات و ملزومات اساسی را که خواهان باید در دعاوی حقوقی باید رعایت نماید تا با مشکلات عملی ایرادات شکلی مواجه نباشد به شرح ذیل می‌باشد.

- ۱- تنظیم و تقدیم دادخواست
- ۲- پرداخت هزینه های دادرسی بر حسب مورد.
- ۳- بررسی دادخواست از حیث شرایط شکلی و سایر اسناد و ادله ابرازی توسط خواهان
- ۴- تعیین زمان رسیدگی توسط منشی دادگاه و حسب دستور قاضی
- ۵- ابلاغ زمان رسیدگی به دعوی به ترتیب تاریخ و ساعت به اصحاب دعوی
- ۶- رسیدگی دادگاه به دعوی مطرح شده و صدور حکم مقتضی

موارد و مقررات ابلاغ در سایر قوانین حاضر نیز از مواد قانونی آیین دادرسی مدنی تبعیت می کند بنابراین جز در مواردی که صراحتاً استثناء شده است مقررات مزبور در ابلاغ اوراق مربوط به مراجع قضای و اوراق رسمی لازم الرعایه است لذا از اینرو یکی از مهمترین بخش های دادرسی به حساب می آید. چرا که پایه و اساس دادرسی عادلانه امر ابلاغ می باشد و دادرسی بدون امر ابلاغ امکان پذیر نمی باشد زیرا اطلاع خواننده دعوی از محتویات دعوی و متن دادخواست و همچنین ضمایم آن و ایضاً آگاهی اصحاب دعوی از برخی تصمیمات قضایی و تاریخ و زمان جلسات دادرسی و حصول اطمینان دادگاه از اطلاع اصحاب دعوی و مخاطبین دعوی (کارشناسان دادگستری، گواهان ، مطلعین و ...) ضرورتی انکار ناپذیر می باشد. همچنین با توجه به اینکه در رویه قضایی اصل بر تناظر بوده و امر ابلاغ ستون اصلی در فرآیند دادرسی می باشد. بعبارتی امر ابلاغ در فرآیند دادرسی وسیله ای برای اطلاع اصحاب دعوی از محتویات و جریانات دعوا اعم از : اخطارها ، اوقات و جلسات رسیدگی ، و حصول اطمینان دادگاه از آگاهی اطحاب دعوی می باشد زیرا تمامی مهلت ها و مواعیدی که در مقررات برای انجام امر یا اعمال حقی پیش بینی شده ، از تاریخ ابلاغ آنها موضوعات آغاز می شود و همچنین برگزاری جلسه رسیدگی دادگاه برای حل و فصل خصومت ها و اختلافات باید مسبوق به ابلاغ وقت آن به

قانونگذار به جهت جلوگیری از اشتباهات و همچنین به جهت بروز اطلاع دادرسی ، در ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوبه ۱۳۷۹ و مخصوصاً در بندهای ۴ ، ۵ و ۶ ذکر مواردی را بطور دقیق در دادخواست خواهان را ملزم کرده به رعایت آن که در صریح بودن دادخواست کمک شایانی می کند البته به نظر نگارنده باید تمامی مواردی که در دادخواست آمده خواهان به طور دقیق قید نمایند با ابلاغ به خواننده و اطلاع ایشان از دعوی اقامه شده علیه خود ، امکان فراهم نمودن اسباب دفاع در مقابل خواهان را داشته باشد و خدای ناکرده حق دفاع خواننده تضییع نگردد. (متین دفتری ، احمد ، همان ، صفحه ۳۱۶)

۱۳- ابلاغ و اقسام آن در قانون آیین دادرسی مدنی:

ابلاغ در لغت به معنای رسانیدن نامه یا پیام و ایصال آمده است و در معنی اصطلاحی نیز ، مطلع ساختن مخاطب از مفاد اوراق قضایی طبق تشریفات قانونی را ابلاغ گفته می شود. یکی از قسمت هایی که به معنای واقعی کلمه ، مشکلات عملی را برای اصحاب دعوی در ایرادات شکلی در بر دارد مبحث ابلاغ می باشد ابلاغ قضایی که در قانون آیین دادرسی مدنی از مواد ۶۷ لغایت ۸۳ را به خود اختصاص داده است مقررات ابلاغ آیین دادرسی مدنی تشکیل دهنده قاعده عام ابلاغ اوراق است بدین معنی که در تمامی قوانین مدون (قوانین شکلی) تمامی

مورد اشخاص حقیقی و یا به شخصی که صلاحیت وصول برگ را دارد در مورد اشخاص حقوقی، داده و رسید دریافت کند و رسید مربوطه را به دفتر شعبه مربوطه ارجاع دهد و در این نوع رسیدگی و صدور رای، رای صادره حضوری می باشد. پس با این اوصاف در می یابیم که ابلاغ واقعی می تواند هم به شخص حقیقی صورت پذیرد و هم به اشخاص حقوقی که به ترتیب ذیل به شیوه های ابلاغ آن می پردازیم.

۱۳-۲- ابلاغ قانونی

از منظر قانون آیین دادرسی مدنی قاعده کل ابلاغ را در رویه قضایی و همچنین مراجع غیر قضاوتی ایران را نیز در بر دارد بدین نحو است که وقتی مامور ابلاغ به هر نحوی از انحاء نتواند اوراق قضایی را به خود اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) مخاطب ابلاغ کند ابلاغی که انجام می دهد در واقع ابلاغ قانونی تلقی می شود و مراد از این کار این است با اقداماتی در راستای ابلاغ (ابلاغ قانونی) انجام می گیرد مطلع و خبردار باشد.

نتیجه گیری

عدم رعایت تشریفات شکلی آیین دادرسی مدنی و عدم امکان جبران ایرادات شکلی موجب صدور قرارهای قاطع دعوی مانند رد دادخواست، ابطال دادخواست، رد دعوی و قرار عدم استماع دعوی صادر می شود که در نتیجه عدم رسیدگی

اصحاب دعوا یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان باشد. علی ایحال بایستی امر ابلاغ در بحث آیین دادرسی مدنی به درستی و به موقع انجام شده باشد (داودی بیرقی، حسین، تفسیر قوانین شکلی، ۱۳۹۵)

در بحث ایرادات شکلی، مشکلات عملی را به دنبال دارد موضوع امر ابلاغ اوراق قضایی به خواننده دعوی باید ابلاغ شود و آن هم زمانیکه خواهان در مقام مدعی اقامتگاه شخص خواننده را نمی داند که این موضوع مشکلات خاص خود را دارد و یکی از موجبات اطاله دادرسی می باشد که در جای خود بحث مفصلی راجع به آن خواهد شد علی ایحال نظر به مشکل حاضر که خواهان محل و اقامتگاه خواننده را نمی داند که در این مواقع قانون راهکاری را برای احقاق حق خواهان ترتیب داده است که در ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی اتخاذ شده است. خاطر نشان می سازد نوع ابلاغ در طواری و مدت زمان دادرسی نیز اثر گذار می باشد. بر اساس مواد ۳۰۳ و ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی، بحث ابلاغ در ۲ نوع تبیین و صحبت شده است ابلاغ واقعی و ابلاغ قانونی

۱۳-۱- ابلاغ واقعی

ابلاغ واقعی به آن نوع ابلاغ اطلاق می شود که مامور ابلاغ اوراق قضایی را طبق تشریفات قانونی به شخص مخاطب در

امید و مایوس می گردد و همین امر موجب می شود که نسبت به دستگاه قضایی و همچنین از کل حاکمیت نوعی بدبینی و نگاه منفی در ذهن او نقش ببندد و در مقام سوء تبلیغ بر دستگاه قضایی و چه بسا بر کل حاکمیت برآید. مضافاً اینکه اکثر مردم بدلیل عدم آگاهی از قوانین تمایز و تفاوت بین ایرادات شکلی و دفاعیات ماهوی را نمی دانند و هم اینکه دعوای ایشان منتج به صدور یکی از قرارهای قاطع دعوا گردد این گونه تصور می کند که دادگستری و دستگاه قضا دعوای ایشان را از اساس و در ماهیت و محتوا رد کره و حق ایشان را احقاق ننموده و اینگونه می پندارد که دادگستری مدافع شخص عهد شکن شده است فلذا این امر تبعات بدی را بدنبال خواهد داشت و موجب افزایش بد بینی مردم نسبت به دستگاه قضایی شده و ایضاً موجب افزایش شکاف میان مردم و کل حاکمیت می گردد.

ثالثاً: مختومه نمودن پرونده ها به موجب صدور قرارهای ایرادات شکلی موجب می شود که خصومت اصلی بین طرفین حل نشود و همچنان باقی بماند و در نتیجه خواهان دعوی برای احقاق حقوق حقه خویش مجبور شوند مجدداً اقدام به طرح دعوی نمایند که همین امر باعث افزایش تراکم ورودی پرونده ها به دادگستری و محاکم شده و موجب افزایش غیر

دادگاه به ماهیت و محتوای موضوع مورد اختلاف می گردد لذا از این رو صدور این قرارها آثار و معایبی دارد که ذیلاً اعلام می گردد

اولاً: هزینه دادرسی پرداختی توسط خواهان پرداخت شده و نیروی دستگاه قضایی مصرف شده است اما در نهایت دعوای خواهان منجر به صدور قرارهای قاطع دعوی شده است از همین رو ، خواهان مجدداً باید با صرف وقت و پرداخت هزینه دادرسی مجدد، اقدام به طرح دعوی کند. پرداخت هزینه دادرسی عملاً هزینه احقاق حق و اجرای عدالت را در جامعه افزایش می دهد و از سوی دیگر خواهان که یک مرتبه اقدام به طرح دعوی نموده است و برای دعوای قبلی هزینه دادرسی پرداخت کرده است در بسیاری از موارد ، پرداخت هزینه دادرسی مجدد را برای خود سنگین و غیر مقدور می یابد ، از همین رو در دعوای بعدی ، اقدام به طرح دعوی اعسار از پرداخت هزینه های دادرسی نموده و همین امر موجب افزایش

ناحیه موجه و غیر ضروری دعوای دادگستری می گردد ثانیاً: رد دعوی بدون آنکه دادگاه وارد ماهیت موضوع اختلاف گردد موجب می شود که خصومت موجود بین طرفین دعوی برطرف نشده و محل اختلاف همچنان باقی بماند. از یک سو خواهان که با مراجعه به دادگستری و تظلم خواهی در پی احقاق حق خود بوده است از سیستم قضایی سرخورده و نا

داور ، محدود به مهلت ۲۰ روز از ابلاغ رای داور و طرح دعوی علیه ظهر نویسان سند تجاری ، محدود به مهلت یک سال از تاریخ واخواست سند تجاری است و همچنین مهلت طرح دعوی علیه ظهر نویس چک ۱۵ روز می باشد اگر در مهلت مزبور دعوای لازم اقامه شود ولی به دلیل ایرادات شکلی ، دعوی مزبور در ماهیت رسیدگی نشود و دعوی مردد گردد عملاً مهلت طرح دعوی از بین رفته است و در نتیجه طرح مجدد دعوی امکان پذیر نمی باشد فلذا در چنین مواردی صدور قرار قاطع دعوی موجب می گردد که در ماهیت امر ، حق خواهان قابل احیا و احقاق حق نباشد لذا مقتضی است مقنن جهت صیانت از حقوق حقه خواهان ، تمهیداتی را در نظر بگیرد که در صورت صدور و مواجه شدن با ایرادات شکلی در پرونده ها ، به جای صدور قرارهای قاطع دعوی ، با صدور اخطاریه مبنی بر رفع موانع و ایرادات ، دادگاه بتواند بعد از رفع موانع و ایرادات شکلی ، به ماهیت دعوی ورود کند تا احقاق حق شود.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

ضروری تعداد دعاوی و در نتیجه ، افزایش حجم پرونده های ورودی به دستگاه قضایی و اطاله دادرسی می گردد

رایعاً: رد دعوی به موجب ایرادات متعدد شکلی ، مشکلات عملی زیادی را بدنیال دارد یکی از آن مشکلات که می توان به ضرس قاطع گفت هزینه های دادرسی می باشد. پرداخت هزینه دادرسی برای طرح مجدد دعوی هزینه های احقاق حق را افزایش داده و موجب می شود که اشخاص دارای حق و حتی وکلای ایشان ، برای احقاق حق و دستیابی به حقوق قراردادی و قانونی خود مجبور شوند بارها اقدام به طرح دعوی نمایند تا شاید بتوانند پس از چندین بار آزمون و خطا، دعوایی طرح نمایند که از منظر تشریفات دادرسی فاقد ایراد و در نتیجه رسیدگی باشد. این امر هزینه اجرای عدالت را افزایش داده و با سیاستهای اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید و تسهیل در امر کسب و کار در تعارض است. از سوی دیگر موجب می شود اختلاف مالی و مشکلات قراردادی بین فعالان اقتصادی و اشخاصی که در زمینه کسب و کار و کارآفرینی فعال هستند باقی بماند و همین امر فضای کسب و کار را مخدوش و مشوش می نماید.

خامساً: طرح برخی از دعاوی ، منوط و بستگی به زمان خاصی است ، بدین ترتیب که در صورت انتقاض آن مدت، دعوی قابل طرح نیست بعنوان مثال طرح دعوای اعتراض به رای

۱۸- مهاجری، علی، (۱۳۹۲)، آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران، چاپ هفتم، تهران، انتشارات فکرسازان

۱۹- مهاجری، علی، (۱۳۸۶)، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فکر سازان

۲۰- مهاجری، علی (۱۳۹۵)، آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران، انتشارات فکرسازان

۲۱- متین دفتری، احمد، (۱۳۷۸)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی جلد ۲، انتشارات مجد

۲۲- فوادیان، فرشته (۱۳۹۴)، ایرادات و موانع رسیدگی، انتشارات دانش نگار

۲۲- داودی بیرق، حسین (۱۳۹۵)، تفسیر قوانین شکلی (آیین دادرسی مدنی)، انتشارات دراک

۲۳- نوکنده ای، عزیز (۱۳۸۰)، تفسیر قضایی آیین دادرسی مدنی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانش نگار

۲۴- واحدی، دکتر قدرت الله (۱۳۸۹)، بایسته های آیین دادرسی مدنی، انتشارات نشر میزان

پایان نامه ها و مقالات:

۱- آهنی، بتول، (پاییز ۱۳۷۷) اعتبار امر قضاوت شده کیفری در دعوی مدنی، دانشگاه تهران آقاپاری،

۲- علی، قواعد ایرادات و آثار آنها در رسیدگی های مدنی (۱۳۹۰)، دانشگاه علوم قضایی

۳- پاکدل، احسان، (زمستان ۱۳۹۴)، نقش تشریفات در اعمال حقوقی

۴- داوودی، حسین (خرداد ۱۳۹۵)، ویژگی های قواعد شکلی (آیین دادرسی مدنی)

۵- مهدوی منش، رضیه (آذر ۱۳۹۱)، شرایط دادخواست و ضمانت اجرای آن، دانشگاه کاشان

۶- موسویان، سید وحید (تابستان ۱۳۹۴)، ساختار نظام قضایی ایران و اطلاع دادرسی در دادرسی های مدنی، دانشگاه شهید چمران

۷- میرزائی، سعیده (پاییز ۱۳۹۶)، ایجاد سبب ایراد بعد از اولین جلسه دادرسی و آثار آن، دانشگاه قم

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

۱- آخوندی، محمود (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، انتشارات اشراق

۲- احمدی، نعمت (۱۳۷۱)، آیین دادرسی مدنی، انتشارات اطلس

۳- استازاده، سعید (۱۳۹۵) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، انتشارات پندار قلم

۴- بهرامی، بهرام (۱۳۷۹)، آیین دادرسی مدنی عملی و کاربردی، انتشارات بهنامی

۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۵)، دانشنامه حقوقی، انتشارات امیر کبیر

۶- توکلی، محمد مهدی (۱۳۹۹) آیین دادرسی مدنی، انتشارات مکتوب آخر

۷- شمس، عبدالله (۱۳۹۲)، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد ۱، انتشارات دراک

۸- شمس، عبدالله، (۱۳۹۵) آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد ۳، انتشارات دراک

۹- شمس، عبدالله، (۱۳۹۵) آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد ۳، انتشارات دراک، چاپ یازدهم

۱۰- شاه حیدری پور، محمد علی (۱۳۹۱)، آیین دادرسی مدنی، انتشارات قلم

۱۱- صدر زاده افشار، سید محسن، (۱۳۷۹) آیین دادرسی مدنی و بازرگانی موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی

۱۲- عموزاد مهدیجی، رضا، (۱۳۹۴)، ایرادات قضایی بر نحوه طرح دعوی حقوقی، انتشارات دادگستر

۱۳- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۳)، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، کانون وکلای دادگستری

۱۴- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، انتشارات سهامی انتشار، چاپ هشتم

۱۵- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۷۹)، آیین دادرسی مدنی، انتشارات پایدار،

۱۶- ملک تبار، هادی، (۱۳۹۸)، قواعد عمومی ایرادات آیین دادرسی، انتشارات شرکت سهامی انتشار

۱۷- محسنی، حسن، (۱۳۹۳)، اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری در چارچوب اصول دادرسی، با دیباچه دکتر ناصر کاتوزیان، شرکت سهامی انتشار

- ۸- مجموعه نشستهای قضایی، (۱۳۸۲)، دفتر بررسی و تهیه و تدوین متون آموزشی
- ۹- غمامی، مجید، محسنی، حسن، (۱۳۹۱)، اصل ابتکار عمل خصوصی اصحاب دعوا در دادرسی مدنی و استثنایها و قیدهای آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)
- ۱۰- ده فروش، مجید (۱۳۹۹)، پایان نامه ابلاغ الکترونیک و آثار آن در پیشگیری از اطاله دادرسی
- ۱۱- نجفی، دکتر ابوالحسن، (۱۳۷۱)، مرکز نشر دانشگاهی

